

تشخیص و درمان بیماری‌های اعصاب و روان از نظر ابوبکر محمد بن زکریای رازی

صبرا موسوی زادگان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

چکیده

سابقه و هدف: با توجه به شیوع و روند رو به افزایش بیماری‌های اعصاب و روان و عدم موفقیت کامل درمان‌های جدید در این حوزه، و در پاسخ به این سوال که نظرو دیدگاه پزشکان و دانشمندان طب سنتی از جمله ابوبکر محمد زکریا رازی در مورد تشخیص و درمان این بیماری‌ها چه بوده این مقاله نوشته شد. مواد و روش‌ها: تحقیق به روش مطالعه کتابخانه‌ای و استفاده از سایت‌های اینترنتی انجام گرفت. با مراجعه به آثار و نظریات دانشمندان و پزشکان قبل از رازی در زمینه بیماری‌های اعصاب و روان و نیز آثار و نوشته‌های رازی بویژه مهمترین کتاب او یعنی الحاوی که یک دانشنامه کامل پزشکی تا دوران اوست با عقاید و نظریات رازی در مورد تشخیص و درمان بیماری‌های اعصاب و روان، بویژه بیماری‌های مالیخولیا، قطرب، مانیا، اختلالات شعور و... آشنا می‌شویم. نتیجه‌گیری: رازی با مطالعه عقاید و نظریات دانشمندان دیگر و نیز تجربیات بیمارستانی خود، روش‌های تشخیص و درمان بیماری‌های اعصاب و روان را مطرح و روش‌های درمانی متعددی از جمله: مرطوب کردن مزاج، پاکسازی بدن از اخلاط سودایی، استفاده از رژیم‌های غذایی، ورزش، رایحه‌درمانی، روان‌درمانی و... را پیشنهاد کرده است.

کلیدواژه‌ها: رازی، الحاوی، بیماری‌های اعصاب و روان.

تاریخ دریافت: آبان ۹۴

تاریخ پذیرش: دی ۹۵

مقدمه:

مختصر بعلاوه دو منظومه به او نسبت می‌دهند. قسمت اعظم این آثار از بین رفته ولی آن چه باقی مانده برای تخمین و تعیین کیفیت علم او کافی است. (۲)

منطق عملی رازی یا روش‌شناسی جاری در فلسفه علمی او حاصل علم اثباتی و فلسفه نظری اش مبتنی بر عقل و اصولا خردگراست و حکمت طبیعی او هم بر پایه تجربه و آزمایش قرار دارد. می‌توان گفت که رازی مبرزترین فیلسوف انتقادی سراسر اعصار به شمار می‌رود و کمترین تقلید و تبعیت از غیر را بر نمی‌تابد. (۱)

در حقیقت مقام رازی در علوم پزشکی مخصوصا نشانه‌شناسی در ردیف بقراط است. به عبارت دیگر مقام او در طب عملی از جالینوس و ابن سینا برتر به شمار می‌رود. آنچه مشخص رازی است و نام او را تا ابد جاودانه ساخته توجه و دقت نظری است که در نوشتن شرح حال بیماران خویش داشته، زیرا بر خلاف آثار دیگر دانشمندان از افکار فلسفی و

بیماری‌های اعصاب و روان از بیماری‌های شایع بوده و روندی رو به افزایش دارد. بعلاوه طب جدید تا کنون در تشخیص و درمان این بیماری‌ها، به موفقیت کامل دست نیافته است. سوال این است که نظر دانشمندان پیشین از جمله رازی در باره این بیماری‌ها چه بوده است؟

ابوبکر محمد بن زکریا بن بحیی صیرفی رازی زاده ۲۵۱ هـ / ۸۶۵ م - درگذشته ۳۱۳ هـ / ۹۲۵ م در ری، حکیم، طبیب کیمیایی، طبیعت‌شناس، شیمی دان، علامه علوم اوائل، فیلسوف منطقی جدلی، جالینوس مشرق زمین که بزرگترین پزشک بالینی و بیمارستانی، حکیم انسان‌گرای و خرد آئین‌ستریگ ایران در سده‌های میانه به وصف آمده است. (۱)

رازی در کودکی به موسیقی علاقه‌ای وافر داشت. سپس هم خود را مصروف فلسفه کرد. علاقه وی به علم طب موقعی جلب شد که به سن رشد رسیده بود. ۱۱۳ اثر مفصل و ۲۸ اثر

تقسیم کرده. رازی همچنین در باره بیماری وسواس سخن گفته و آن را از مالیخولیا افتراق داده است.

اخلاط و مزاج های چهارگانه

قبل از پرداختن به نظریات رازی در باره بیماری های روان یادآوری نکاتی از طب باستان ضروری است. طب باستان (طب اخلاطی) به چهار عنصر (خاک، آب، هوا و آتش) و چهار خاصیت این عناصر (گرمی، سردی، تری و خشکی) معتقد بوده و به وجود چهار مایع اصلی در بدن انسان و حیوانات قائل بودند که عبارتند از: خون (گرم و تر)، بلغم (سرد و تر)، صفرا (گرم و خشک) و سودا (سرد و خشک)، (۵) و دخالت این چهار مایع را در کلیه حالات بدنی اعم از تغییرات فیزیولوژیک و پیدایش بیماری ها و بهبود حال بیماران مؤثر دانسته و می گفتند: هر گاه این چهار مایع به نسبت طبیعی و متعادل با یکدیگر در بدن وجود داشته باشد بدن سالم است، ولی اگر یکی از این مایعات یا چند تا از آنها از نظر کمی (نسبت به سایر اخلاط) یا از نظر کیفی متحمل تغییراتی شوند تعادل این مایعات برهم خورده، و در این حال ساختمان طبیعی بدن تغییر کرده و مواد مختلفی بوجود می آید که بر حسب کم و بیشی مقدار یا کیفیت آنها کم و بیش زیان آور می گردند. (۶)

بر این اساس چهار نوع شخصیت اساسی، خوش مشرب یا دمو (علاقه مند، فعال، و اجتماعی)، بد خلق یا صفاوی (تندخو، سریع، و یا تحریک پذیر)، سودایی یا مالیخولیایی (تحلیلی، فکور، و آرام)، و بلغمی مزاج (آرام و صلح جو) وجود دارد. (۷)

مالیخولیا (Melancholia)

کلمه ملانکولیا از کلمه یونانی Melas/μελας به معنی سیاه و کلمه Chole/χολη، به معنی صفرا مشتق شده. (۸)

در لغت نامه دهخدا آمده است: مالیخولیا گونه ای مرض عصبی است که با اختلال قوای عضلانی و دماغی همراه است و معمولاً در دنباله فلج عمومی یا تحت شکنجه شدید روحی و جسمی (محبوسانی را که شکنجه شدید می دهند) و یا بر اثر مرض صرع یا در اشخاص هیستریک و یا به طور مادرزادی

تئوری های مختلف به دور است و صرفاً مشاهدات عینی او را آن چنان که بوده در بر دارد. الحاوی بزرگترین و مهمترین کتاب رازی است. از خصوصیات کتاب الحاوی بحث در باره عقاید پزشکان معروف و پایه گذار طب قدیم از جمله بقراط و جالینوس بوده که رازی در بحث های خود نظرات عده ای از آنها را آشکارا یا به طور تلویحی رد کرده و شهادت او جای تقدیس است. (۳)

رازی در جزء اول الحاوی فی الطب به بیماریهای مغزی و اعصاب و روان پرداخته. این کتاب در سال ۱۳۶۹ توسط استاد گرانقدر دکتر سید محمود طباطبایی به فارسی ترجمه شده و سه فصل از آن به بیماری های روانی اختصاص دارد. فصل سوم کتاب در باره مالیخولیا، خوراک های پدید آورنده سودا و از بین برنده آن، کسانی که برای گرفتاری به مالیخولیا آمادگی دارند و کسانی که دچار مالیخولیا نمی شوند، فصل چهارم در باره نیروهای مغزی، آسیب های سه گانه روانی یعنی تخیل، اندیشیدن و حافظه و آنچه که باعث تقویت آنها می شود و آنچه که برای آنها و برای مغز و ذهن زیان آور است، همچنین در باره دگرگون شدن مزاج مغز و کلیاتی در باره نیروهای مغزی، کاهش و افزایش آن نیروها و آنچه که برای ذهن و عقل آدمی سودمند یا زیان آور است و آنچه باعث دیدن خواب های آشفته می شود و عواملی که باعث درستی و سلامت خواب می گردد، بوده و در فصل دهم، رازی به قرانیطس (فرنیطس = ورم مغز = انسفالیت)، جنون، قُطْرُب، مانیا و هذیان همراه با بیخوابی و انواع مختلف بیخوابی و پدید آمدن اخلاط گرم و آماس های گرم در سر آدمی و سایر اندام های او پرداخته. وجه اشتراک این بیماریهای ناهمگون، عموماً اخلاط صفاوی است. او از شمار زیادی از منابع یونانی و هندی نیز سود برده که آگاهی ما در باره آنها صرفاً از طریق اوست. (۴)

بیماری های روان از نظر رازی:

رازی مانند دانشمندان پیش از خود بیماری های روانی را به مالیخولیا، اختلالات شعور یا جنون، مانیا و بیماری قطرب

چیرگی خشکی مزاج واکنش های روانی به اندازه ای زیاد خواهند شد که نیاز به درمان پیدا می‌شود. (۳)

رازی در فصل مربوط به مالیخولیا (باب سوم)، در مجموعه متنوعی از نقل قولها، حکم جالینوس را بیان می‌کند که وسواس سوداوی (مالیخولیا) ناشی از سوداست نه بلغم یا صفرای سوخته. از طریق نقل قولهای رازی درمی‌یابیم که دیدگاههای جالینوس در باب مالیخولیا به طور وسیع مورد پذیرش پزشکان دوره اسلامی بوده است. (۴)

پزشکان قبل از رازی از جمله جالینوس مالیخولیا را به سه دسته تقسیم می‌کردند و معتقد بودند که منشا بیماری وسواس سودایی (مالیخولیا) یا تنها در خود مغز است یا این که علاوه بر تغییر یافتن خون رگهای داخلی مغز، خون همه بدن هم دچار همان تغییر شده و (سودایی شده) است. نوع دیگری از وسواس سودایی (مالیخولیا) که آغاز آن از معده بود را به نام مراقی می‌خواندند.

رازی نیز مالیخولیا را ناشی از وجود سودا در مغز یا همه بدن می‌دانست ولی به مالیخولیای مراقی معتقد نبود. او به صراحت عنوان کرده که معده در این بیماری دخالتی ندارد و ماده مولد بیماری در خود مغز است. رازی می‌گوید: به نظر من مراقی همراه با نشانه های شدید مالیخولیایی نیست. البته خودم در ضمن معاینه بیماران به این موضوع پی برده ام که معده آنان یا گرفتار چیزی از عوارض یاد شده نیست و یا عوارض ناچیزی دارد و به هر حال منشا بیماری در خود مغز است. بنا بر این با توجه به نشانه هایی که قبلا یادآوری شده دقت کنید که آیا خون سودایی در خود مغز تولید می‌شود یا در همه بدن. پس اگر آن نشانه‌ها را نیافتید و وضعیت بدن هم آن چنان نبود که تولید سودا کند، این امر را بپذیرید که منشا بیماری درون سر می‌باشد و این گرفتاری معمولا به دنبال بیماری های حاد سر، همچون سوختگی سر به علت آفتاب زدگی، قرانیطس (ورم پرده مغز) سردرد همیشگی مزمن و دیگر عواملی که سر آدمی را داغ می‌کند و گاهی هم در پی بی خوابی های طولانی اتفاق می‌افتد و من برای درمان این نوع بیماری، از مداومت بر شستشوی بدن و مصرف غذاهای مولد اخلاط خوب و مرطوب استفاده می‌کنم بدون اینکه اقدام دیگری لازم باشد.

پدید آید. مبتلایان به این مرض گاه از خوردن و آشامیدن خودداری می‌نمایند به نحوی که به حالت مرگ می‌رسند و گاهی خودکشی می‌کنند. برای معالجه این بیماران استراحت کامل و مسافرت به نقاط خوش آب و هوا و جدا بودن از افراد دیگر و از حوادث لازم است. (9)

مالیخولیا در اصطلاح روانشناسی یکی از عواطف مرکب است و آن از تذکر حالات مطبوع مفقود، و از اندوه فعلی که آنها را احاطه کرده است و غیره ترکیب شده. (10)

بیماری مالیخولیا از نظر طب سنتی به گروهی از سایکوزها اطلاق می‌شد و با آن چه امروزه تحت عنوان ملانکولی در کتاب های روانپزشکی مطرح می‌شود تفاوت هایی دارد. (۳)

مالیخولیا از نظر رازی

رازی در باب مربوط به مالیخولیا از منابع فراوانی بهره گرفته ولی منبع اصلی او کتاب های بقراط، جالینوس و روفس است.

رازی می‌گوید: بیماری مالیخولیا شدیدترین عارضه ای است که به علت خشکی مزاج پدید می‌آید. او به نظر جالینوس برای مرطوب کردن مزاج بیماران مالیخولیایی اعتقاد زیادی داشته و در این مورد گفته: به نظر من گفتار جالینوس در همه موارد یاد شده از این رو درست است که این بیماران را از گرمی مزاج پرهیز می‌دهد و به مرطوب کردن مزاج آنان می‌پردازد و برای اثبات درستی این نظر هیچ دلیلی بالاتر از این نیست که بیماری مورد گفتگو به نسبت بسیار ناچیزی در زنها، بچه ها، خواجه‌ها و سرد مزاجان پدید می‌آید (رازی این افراد را دارای مزاج مرطوب می‌داند). رازی با نظر پیشینیان که گفته اند خشکی مزاج برای ذهن انسان مضر است مخالفت کرده و گفته: خشکی مزاج همیشه باعث تشدید و تندی فعل و انفعالات روانی می‌شود. حرکاتی که در شخص مبتلا به چیرگی خشکی مزاج دیده می‌شوند حرکاتی است که به تندی بیش از اندازه طبیعی پدیدار می‌گردد. اما این که گفته می‌شود خشکی مزاج به تنهایی برای ذهن آدمی زیان آور است چنین نیست بلکه همیشه باعث افزایش احساس ذهنی می‌شود ولی در اثر

لطیف کردن مزاج، خودداری نموده، به غلیظ کردن اخلاط پرداخت. زیرا فزونی بلغم در بدن، باعث رهایی از وسواس سودایی (مالیخولیا) می شود.

به نظر رازی درمان انواع مالیخولیای غیر مراقی عبارت است از: رگ زدن، اسهال های پی در پی برای بیرون راندن سودا از بدن، سرد کردن کبد که نقش ویژه ای از نظر درمانی دارد، تقویت طحال برای جذب اخلاط سودایی، باز کردن دهانه های بواسیر، مداومت بر آب تنی، شرابخواری و خواب در حد اعتدال. برای درمان مالیخولیایی که منشا آن تنها در مغز است، نوشیدن زیاد شراب آمیخته با آب، نوشیدن آب شیرین و گوارا، مرطوب و سرد کردن سر بیمار. پس از اقدام های درمانی به منظور تقویت سر، درمان باید طوری ادامه یابد که مزاج سر، پذیرش بخارهای بالا آمده از شکم را نداشته باشد و دادن شربت سکنجبین به بیمار برای پاک کردن معده و در صورت لزوم تنقیه با مواد ملایم و مالیدن عطرهای تقویت کننده سودا در بینی بیمار. نسخه عطر مورد استفاده عبارت است از: مُشک یک بخش، کافور نیم بخش، زعفران و صبر هر کدام یک بخش، شکر طبرزد (نبات) دو بخش، همه را با شیر دختر (شیر زنی که دختر زاییده است) آمیخته و یک دانق آن را در بینی بیمار به کار برید. برای درمان این نوع از بیماری لازم است مغز را تقویت کرد ولی گرم کردن سر بیمار الزامی نیست. برای درمان مراقی باید به مراقبت همه جانبه و درمان کبد پرداخت تا از پدید آمدن سودای بیش از اندازه در آن جلوگیری شود. ولی اگر چنین کاری نشد بایستی به زدودن اخلاط سودایی از راه اسهال های پی در پی پرداخت، سپس از جوارشاتی که سودا را از بدن بیرون می رانند استفاده کرد و به تقویت فم المعده در روزهای استراحت بیمار پرداخت تا نفخ شکم وی بر طرف گردد. به این بیماران باید غذاهای چرب و شیرین داد و نباید از زدودن سودا، رگ زدن بر روی باسلیق (رگی در دست)، گذاشتن بادکش بر ناحیه طحال و به کار بردن داروهای سرخ کننده غافل شد. قی کردن، مصرف شراب و اقدام های کاهش دهنده سودا یا زداینده سودا برای این که سودایی جذب طحال نگردد که به سوی معده رانده شود، رگ زدن اسلیم (ورید نجات دهنده)، استفاده از غذاهای

البته این درمان در آغاز بیماری که از جای کنند و زدودن اخلاط بیماری را از محل جایگزینی خود هنوز دشوار نشده، موثر است ولی در صورت مزمن شدن بیماری، نیاز به درمان بیشتر و قوی تری دارد.

رازی تاکید کرده که در مالیخولیای مراقی، علت پدید آورنده بیماری به هیچ وجه نمی تواند آماس گرم، باقی ماندن غذای هضم نشده در معده، آروغ ترش، ترشح زیاد بزاق رقیق و یا قی کردن مواد با احساس سوزش شدید باشد و بالاتر از همه اینها نبودن تب در این بیماران شگفت انگیز است. بنا بر این نه تنها هیچ نشانه ای برای تایید این نظر که منشا مالیخولیای مراقی از معده است، وجود ندارد، بلکه همه نشانه های بیماری، نظریه یاد شده را رد می کنند. (۳)

نظر رازی در باره مالیخولیای فصلی:

رازی گفته به نظر من کسانی که در فصل بهار دچار نوع حاد مالیخولیا می شوند، مبتلا به بیماری مغزی نیستند، بلکه خونی که در رگهایشان جریان دارد، سودایی است و در فصل بهار به جوشش درآمده تا جایی که سودا به مغز می رسد. رازی معتقد است با توجه به این که هنگام منتشر شدن سودا از راه خون، مغز از خون سیاهی که دریافت می کند تغذیه می شود، معلوم می گردد که مالیخولیا بیشتر در فصل بهار و در کسانی که خوششان سیاه است برانگیخته می شود زیرا طبیعت فصل بهار این است که اخلاط را برانگیخته و خون را به جوشش می آورد. (۳)

نظر رازی در باره درمان مالیخولیا:

به طور کلی برای درمان مالیخولیا لازم است که در دو نوع اول (نوعی که به علت وجود سودا در رگهای مغز است و نوعی که به علت سودایی بودن خون همه بدن است) به مرطوب کردن مزاج همه بدن بپردازید زیرا اگر مزاج بدن مرطوب شود، بهبودی حتمی است.

همزمان با این، نباید از زدودن اخلاط سودایی از راه اسهال های پی در پی و در صورت لزوم از رگ زدن بیمار غافل شد. همچنین باید از مصرف خوراک های پدید آورنده سودا و

و به همین جهت فزونی خون خوب و مرطوب آن را بهبود می‌بخشد.

جوشانده ای را که رازی به تجربه برای این بیماری سودمند یافته چنین است: یک رطل زردآلو، اهلیج (هلبله) سیاه و سنا و اَفتیمون هر کدام بیست درهم، خَرَبَق سیاه (کریسمس رز) پنج درهم، مرماخور (مَرُو) ده درهم، اسپند ده درهم، فاشرا (هزار چشان) ده درهم، کما شرم (این کلمه در هیچ منبعی یافت نشد. کُما = آنقوزه) ده درهم، همه را با چوب درخت انگور آنچنان بیزید که له شوند سپس جوشانده را صاف کرده و محلول به دست آمده را به صورت خوراکی به بیمار دهید زیرا باعث آرامش و زدودن اخلاط سودایی می‌شود و اگر تاثیر آن کم بود باید مقداری اسپند در مخلوط فوق افزوده شود. به کار بردن آب پنیر برای اسهال مالمیخولیایی خوبست زیرا این بیماران تحمل دوی اسهال آور قوی را ندارند.

این بیماران (مالمیخولیایی) از غذاهای تند و تیز و شور همچون مری و خردل و پنیر نخورند. شراب رقیق بیاشامند و آب تنی کردن با آب شیرین برای آنها بسیار سودمند است زیرا اخلاط آنها را نیکو می‌کند و مواد زائد را می‌زداید. مبادا آب بسیار گرم بر سر آنان ریخته شود، بلکه تنها آب ولرم به کار رود و پس از آب تنی، مبادرت به مالیدن روغن بنفشه و روغن گل بر بدن آنان نموده، سرشان را با خطمی و لعاب تخم قطونا (اسبرزه) شستشو دهید. چنانچه بیمار پس از آب تنی و بیرون آمدن از گرمابه دچار تشنگی بود، کم کم به او آب دهید. اگر هنوز هم دچار بدگمانی و اندیشه های نادرست بود، سعی کنید همچون ترفندهای مارگیران از راه سخن گفتن و مصاحبت و چاره اندیشی، آن گمان‌ها و اندیشه‌ها را از بین ببرید. چنانچه نشانه گرمی زیادمزاج در آنها نبود، بلکه نشانه چیرگی سودا کاملاً آشکار بود به این گونه آنان را وادار به اسهال کنید: در فصل تابستان اَفتیمون همراه با آب پنیر به کار برید و در زمستان به اندازه یک قوطولی (۲۶۲ گرم) آب عسل همراه هفتاد و دو قیراط اَفتیمون و به همین اندازه ایارج فیکرا (ایارج فیکرا: ترکیبی از مصطکی، دارچین، زعفران، اسارون، سنبل الطیب، حب بلسان، عودبلسان، سلیخه (دارچین) به مقدار

لطیف و خوش هضم، آب تنی پی در پی از دیگر درمان های پیشنهادی رازی است.

به طور کلی روش درمان این بیماران و هر بیماری که مبتلا به بیماری سودایی باشد این است که از مواد مولد اخلاط نیکو و مرطوب کننده مزاج استفاده شود و از آنچه که تولید سودا می‌کند پرهیز گردد.

این بیماران نباید غذاهایی مانند رواصل (ترشی ها)، کوامیخ (آنچه با نان بعنوان نان خورش درآمیزند)، عدس و پنیر کهنه بخورند. مصرف دراز مدت نان سوس دار، به کار بردن تخم های گیاهی نامرغوب و آشامیدن شراب غلیظ سیاهرنگ بیش از هر چیز تولید سودا می‌کند و چون آدمی در مصرف شراب زیاده روی نماید سپس به علت خستگی یا عارضه دیگری بدنش گرم شود و یا این که پنیر کهنه مصرف نماید و بیش از اندازه ورزش کند و یا مبتلا به تب طولانی یا حادی شود و یا از خوراک‌ها یا داروهای گرمی زا استفاده کند یا طحال وی از جذب سودا ناتوان شود، همه این عوامل در رابطه با چگونگی آب و هوا و سن بیمار می‌توانند راهنمایی برای این باشند که آیا خون سودایی است یا نه؟ پس اگر همه این عوامل بررسی شد برای رسیدن به تشخیص صحیح رگ بیمار را بزنید اگر رنگ خون سیاه بود بایستی به آن اندازه که به نیروی بیمار آسیبی نمی‌رسد از وی خون بگیرید اما اگر رنگ خون، سرخ روشن بود فوراً خونروی را بند آورید. البته بهتر است که این کار را بر روی رگ اکحل (رگ میانی دست) انجام دهید.

همچنین برای درمان آنان به طور کلی (یعنی انواع مختلف مالمیخولیا) باید به مشغول کردن بیمار به صحبت با دیگران، خوشحال کردن و شرکت دادن وی در صحنه های شاد، انتخاب خوراک وی از انواع زیرباج (خورشی است از سرکه و میوه های خشک که با زعفران و زیره خوشبو شده و به آن شیرینی اضافه شده) و دادن آشامیدنی های خوشمزه و گوارا پردازید. (۳)

به گفته رازی ورزش کردن برای درمان مالمیخولیا سودمند است و خودداری کردن از ورزش باعث ابتلا به نوع شراسیفی مالمیخولیا می‌شود، زیرا مالمیخولیا عبارت است از خشکی مزاج

مساوی از هر کدام. ابتدا مواد را جداگانه نرم کرده و دو برابر وزن آنها صبر زرد که قبلاً پودر شده داخل نموده همه را در یک جا مخلوط نموده همراه آب غسل و نیم گرم و یا مطبوخ افتیون به مقدار ۱۰ گرم میل شود) به کار برید. سپس چند روز آنان را به استراحت وادار کنید و به مرطوب کردن مزاجشان پردازید و پس از استراحت بار دیگر به اسهال آنان پردازید. اگر با این اقدامها نتیجه ای به دست آمد به همان بسنده کنید و گر نه بایستی از ایارج جالینوس استفاده کنید زیرا باعث اسهال و زدودن سودا می شود. اگر این درمان هم اثری نداشت چاره ای جز استفاده از خربق و سنگ ارمنی نیست. البته پیشینیان تنها از خربق استفاده می کردند ولی من استفاده از سنگ ارمنی را برتر از خربق می دانم زیرا تاثیرش کمتر از خربق نیست و خطری هم ندارد. ترکیبی که من به کار می برم چنین است: ایارج فیکرا نیم اوقیه (هر اوقیه ۸ مثقال = ۳۸ گرم) افتیون نیم اوقیه، غاریقون (یک نوع قارچ) چهار گرمی (هر گرمی ۶ قیراط) سمقونیا یک گرمی، قرنفل ۵۰ دانه، سنگ ارمنی چهار گرمی، همه را با گلاب و آب به یا همراه با افشره برگ اترج (ترنج - بالنگ) خمیر کرده و اندازه هر بار مصرف خوراکی چهار تا چهارده گرمی است که باعث تقویت معده و زدودن سودا از بدن می شود.

نسخه رازی برای درمان مالخولیای همراه با جنون تهاجمی به نقل از ابن ماسویه به شرح زیر است: اهلیج (هلبله) سیاه و افتیون هر کدام دو مثقال، نمک هندی نیم مثقال، بسفایج، سنگ ارمنی، غاریقون و خربق سیاه هر کدام یک مثقال، مقدار هر بار مصرف دو مثقال.

نسخه دارویی برای تقویت سر بیماران مالخولیایی: مشک، زعفران و صبر هر کدام یک بخش، کافور نیم بخش، شکر طبرزد دو بخش، همه را با شیر دختر آمیخته یک دانگ در بینی بیمار به کار برید.

رازی همچنین با نظریات جالینوس در باره درمان مالخولیای موافق است. جالینوس در باره این که نیروهای روانی نیرومندتر از نیروهای بدنی هستند گفته که بایستی به هنگام دچار شدن به مالخولیای شراب را به حد اعتدال مصرف کرد زیرا برای درمان مالخولیای، چیزی مناسب تر از شراب نیست.

همچنین برای مالخولیای، درمانی برتر و سودمندتر از آن نیست که بیمار را وادار به کارهای پرسود یا هولناک کرد که همه فکر و ذهن وی را به خود مشغول کند، همچنین جابجایی و مسافرت برای بیمار سودمند است. زیرا به تجربه دیده ام که بیکاری، عدم اشتغال فکری و اندیشیدن به حوادث گذشته، موثرترین عوامل پدیدآورنده مالخولیای هستند. بنا بر این برای درمان این بیماری لازم است بیمار را به کاری یا چیزی مشغول کرد و اگر نتوان وی را به کار واداشت بایستی او را با پرداختن به شکار، بازی شطرنج، نوشیدن شراب، اشتغال به موسیقی، شرکت در مسابقات و مانند آنها که ذهن و روان آدمی را از فرو رفتن در اندیشه های گذشته باز می دارد، درمان کرد. زیرا اگر ذهن و روان به چیزی مشغول نباشد، در مسائل و رویدادهای گذشته و دور فرو می رود و چون نمی تواند برای شکستها و ناکامی های گذشته چاره ای بیندیشد و بر آنها چیره شود، غمگین و اندوهناک شده، عقل خود را به بی کفایتی متهم می کند و چون این عارضه فراتر رود و بیشتر در آدمی جایگزین گردد و شدت یابد مالخولیای پدید می آید. در همین زمینه باید دانست که تعدادی از این بیماران به دنبال افتادن دیواری بر روی آنها یا غرق شدن در آب یا گرفتار شدن در آتش سوزی و یا در نتیجه وحشت از فرمانروا یا حاکم بهبود یافته اند و اینها نشان دهنده این است که رو به رو شدن ناگهانی با یک امر بسیار مهم، ذهن و اندیشه آدمی را از اندیشیدن و اهمیت دادن به امور گذشته و دیگر مسائل باز می دارد. (۳)

درمان روانشناسانه:

رازی معتقد است پدید آمدن مالخولیای، ممکن است همزمان با نیکو بودن اخلاط و طبیعی بودن مزاج باشد که در نتیجه، نیاز به درمان دارویی ندارد زیرا این نوع از مالخولیای، در اثر اندیشیدن به چیزی است که از ذهن و اندیشه ناپدید نمی شود و درمان آن تنها به وسیله از بین بردن آن اندیشه صورت می گیرد. رازی در باره درمان این نوع از مالخولیای می گوید: در همین رابطه مردی نزد من آمد و درخواست کرد که به درمان وی برای بیماری مالخولیای پردازم. از او پرسیدم

ظاهر نمی‌شود، هر چند این علائم ممکن است در میان افراد کم سن و سال‌تر نیز رخ دهد. سن بروز نشانه‌های اولیه حتی در میان اعضای یک خانواده نیز می‌تواند تفاوت داشته باشد. مشکلات بیماران در طول یک دوره ۱۰ تا ۲۰ ساله بعد از ظهور علائم اولیه به تدریج بیشتر می‌شود. (۱۲)

مفهوم قُطْرُب (هدیانی که در آن بیمار تصور می‌کند گرگ شده است) در اصل از آنتیوس آمدی، پزشک سده ششم میلادی روم شرقی، گرفته شده بود و او خود این مفهوم را از مارکلوس سیدی گرفته بود. قطرب غالباً با جنون هم معنا گرفته می‌شد. (۴) رازی در باره قطرب نظری از خود نیاورده و تنها سخنان شمعون، الیهودی و بولس را نقل کرده است: به گفته بولس بیمار مبتلا به قطرب دارای چشمانی حیرت زده می‌باشد و علت این بیماری در سر بیمار است. صورت او مسخ شده دچار ضعف بینایی و خشکی چشم و فرورفتن آنها می‌شود. زبانش خشک و تمام بدنش نحیف و خشک می‌شود. این بیماران دچار تشنگی شدید می‌شوند و زبان آنها زخم می‌شود. به دلیل عوارض فراوان، این بیماری به ندرت رو به بهبود می‌رود و چون این بیمار همیشه بر روی صورت خود به زمین می‌افتد، حالت گردآلودی در چهره و پاهایش دیده شده، گاهی هم آثار گزیدگی سگ در بدن او دیده می‌شود. این بیماری از خلط سودایی پدید می‌آید. بیمار همه شب را تا سپیده صبح به سرگردانی و به ویژه در گورستانها می‌گذراند و همچون دیوانگان است. زبانش به شدت خشک و ترشح بزاقی در دهان او وجود ندارد. این بیماری نوعی از مالیخولیا است و بهترین درمان آن خون گرفتن در آغاز بیماری است. زمانی که بیمار دچار حمله می‌شود، در صورت لزوم باید آنقدر خون از او تخلیه کرد تا به حالت غش بیفتد و به دنبال آن سه روز پی در پی آب پنیر با ایارج (داروی اسهال آور- مسهل) تهیه شده از شحم الحنظل (هندوانه ابوجهل) دو یا سه مرتبه در روز به او بدهند تا مواد زائد بدنش زدوده شوند. سپس از تریاق الفاعی (دارویی که از گوشت افعی‌ها بدست آرند) و بقیه داروهایی که برای درمان مالیخولیا به کار می‌روند به او بدهند و چون بیماری شدت یابد از جوشانده های خواب آور بر سر

که چه نشانه هایی از این گرفتاری در خود می‌بیند و چه احساسی دارد؟ گفت به این اندیشه فرو می‌روم که خداوند متعال از کجا پدید آمده و همه چیزها را چگونه پدید آورده است؟ در پاسخ برای او روشن ساختم که این اندیشه ای است که ذهن همه خردمندان را به خود مشغول ساخته. آن مرد همان وقت بهبود یافت، در حالی که پیش از آن می‌پنداشت دچار نوعی دیوانگی شده و چیزی نمانده بود که زندگی شخصی و کارهای روزانه اش مختل شوند. البته تعداد دیگری از این بیماران را با از بین بردن موضوعی که فکرشان را به خود مشغول کرده بود درمان کرده ام.

رازی گفته در این بیماری، چیزی را از تنها زیستن و دوری جستن از دیگران زیان آورتر نمی‌بینم. از همین رو اگر این بیماران تنها بمانند حالشان بدتر می‌شود. البته نباید با کسانی مانند خودشان همنشین شوند، بلکه باید با افراد خردمندی همنشین شوند که با آنان نیکو سخن گفته، لغزش هایشان را به آنها بفهمانند. (۳)

تفاوت بین وسواس و مالیخولیا از نظر رازی:

رازی بین مالیخولیا و وسواس تفاوت قائل بود و نظر طبری را نقل کرده که: علت بیماری وسواس عبارت است از گرمی و خشکی مزاج و در تایید حرف او گفته: به تحقیق این سخنی است درست زیرا مالیخولیا وسواس نیست بلکه عبارت است از ترس، وحشت و گمان های نادرست و بی پایه. (۳)

قُطْرُب (دمانس):

در بعضی واژه نامه‌ها قطرب را معادل بیماری کره (chorea) ذکر کرده اند که در این زمینه یا هدف کره هانینگتون است و یا اصولاً قطرب نوعی دمانس پیری یا (pressnile) است. (۳) کره یا بیماری هانتینگتون یک بیماری ارثی است که روی مغز و سیستم عصبی تأثیر می‌گذارد. در این بیماری اعصاب به تدریج تحلیل می‌روند و در نتیجه آن فرد دچار اختلالات حرکتی، شناختی و روان‌پریشی می‌شود. از نشانه‌های این بیماری حرکات غیر ارادی است که کوراً (Chorea) نامیده می‌شود. اولین نشانه‌های بیماری معمولاً تا دهه سوم و چهارم زندگی

او بریزند و مقداری افیون یا مواد مشابه بر سوراخ های بینی او بمالند.

رازی در باره استفاده از افیون در این بیماری گفته به نظر من تجویز افیون در بیماری هایی که توام با بیخوابی است برای استفاده از اثر خواب آور آن است که در نتیجه حرکات بیمار کاهش یافته و نیروی او کمتر تحلیل می‌رود. البته باید به همراه افیون به مرطوب کردن و تقویت سر بیمار پرداخت.

رازی همچنین نظر شمعون را در باره درمان بیماری قطرب چنین شرح داده است: برای درمان قطرب هیچ درمانی موثرتر از این نیست که بر سر بیمار شیر بدوشید و سعی در خوابانیدن او برای از بین بردن شدت بیماری کنید. به هنگام بیداری کسانی را گرد او فراهم آورید که بیمار از آنان شرم داشته باشد و از پراکنده گویی خودداری کند و به آن عادت نکند. اندامهای پایینی او را مالش داده و از میوه‌ها و تنقیه استفاده کنید تا دستگاه گوارش او مرطوب شود. چون به تدریج رو به بهبودی پیش رفت، از رگ او خون گرفته، چنانچه در بدنش اخلاط محسوسی بود، از آب هلیج به عنوان مسهل استفاده کنید. شربت عسل فراوان به او بدهید زیرا باعث خواب سنگین می‌شود. غذای بیمار در درجه نخست از حبوبات سپس گوشت پرندهگان و گوشت بره باشد. گرفتن خون تا جایی که بیمار به حالت غش بیفتد، استفاده از رژیم غذایی مایعات و آبجو، نشاندن بیمار در آب شیرین، مالیدن مواد مرطوب کننده و خواب آور روی سرش بیمار نیز از تجویزات الیهودی برای بیماری قطرب است. (۳)

مانیا:

مانیا حالتی است که در آن خلق و سطح انرژی به طور ناهنجار و مداوم بالا، گشاده، بی تکلف یا تحریک پذیر است. عزت نفس کاذب یا بزرگ منشی، کاهش نیاز به خواب، پرحرفی، پرش افکار، حواسپرتی، افزایش فعالیت هدفمند، سراسیمگی روانی حرکتی از ویژگی های این دوره هستند. (۱۳) خود رازی هیچگاه کلمه مانیا را به کار نبرده و به جای آن از کلمات اختلال شعور و جنون استفاده کرده است. رازی در

باره مانیا از قول ابن سرابیون می‌گوید: در این زمینه بیماری دیگری وجود دارد که بسیاری از نشانه های آن شبیه قرانیطس است و مانیا نام دارد و معنی آن جنون پرتحرک و پر جنب و جوش است. منشا آن از صفرای سوخته یا سودای سوخته است که گرمای آن پس از مدتی آشکار می‌شود. فرق مانیا و قرانیطس آن است که در مانیا غالبا تب وجود ندارد و بیمار دچار بیخوابی، بیقراری و آشفتگی و اختلال شعور می‌شود و نبض او پر است. برای درمان مانیا سر بیماران را بتراشید و جوشانده ای از بیروح (مهرگیا) و پوست خشخاش تهیه کرده، پنج مرتبه در روز بر روی آنان بمالید، سپس با استفاده از روغن بادام، کدو و بنفشه به صورت داروی بینی و مالیدنی بر سر، مزاج مغز آنان را مرطوب کنید. خوراک بیمار انار و خورشفت حبوبات باشد و اگر بیماری در دیافراگم هم بود نباید آب یخ مصرف کند. ادرار کردن این بیماران بسیار مشکل است و بایستی در دوره نقاهت از خستگی، آفتاب زدگی و استفاده از غذاهای نامناسب بیش از بقیه بیماران پرهیز کنند.

شمعون نام طبیعی است که به طبیویه هم شهرت دارد، اطلاع دیگری به جز آن چه رازی در باره او نوشته در دسترس نیست. رازی از قول شمعون درمان بیماری به نام "الکلب مع الوقاحه الوجه" را شرح می‌دهد که در ترجمه کتاب حاوی، جنون همراه با ستیزه جویی و پرخاشگری ترجمه شده. شمعون گفته برای درمان هذیان و الکلب مع وقاحه الوجه، جوشانده راسن (پیلگوش) و پاچه گوسفند را بر سر بیمار مالیده، بر آن شیر بدوشید و مقداری هم مدفوع پرنده بر آن بمالید. مقداری بنفشه آمیخته در شیر آدمی را درون بینی او به کار برید و هر غذای سرد و چربی را که مغز را پر و مرطوب می‌کند به او بخورانید. (۳)

اختلال شعور:

رازی اختلالات شعور را به دو دسته تقسیم کرده و گفته به نظر من اختلال شعور بر دو گونه است: ۱- یکی که به صورت پایدار است همچون جنونی که در اثر بیماری مخصوص به خود مغز پدید می‌آید. ۲- دیگری آن است که به صورت عارضه یک بیماری دیگری پدید می‌آید و این نوع

غالباً در پی آماس گرم برخی از بخش های مغز تولید می شود، همچون قرانیپس (انسفالیت = التهاب مغز)، مراحل شدت یافتن تبهای محرقه (تب سوزان = بروسلوز)، تبهای غب (تب سه روز در میان) بسیار شدید، آماس پرده مغز (مننژیت)، ذات الجنب (پلورزی = سینه پهلو)، آماس مئانه و دردهای بسیار شدید. (۳)

رازی اختلال روانی، اختلال شعور و جنون را به یک معنا به کار برده. او از بقراط، جالینوس، جورجس، الیهودی و اهرن نقل قول کرده و بیش از همه به نظرات جالینوس در باره اختلال شعور استناد کرده. رازی از بقراط نقل کرده است که هر کس درد شدیدی داشته باشد و آن را احساس نکنند دچار اختلال شعور می باشد، اگر در پستان زن خون تولید شود نشانه جنون است. هر اختلال شعوری که همراه با ستیزه جویی و سوء ظن باشد ناشی از سوداست، هر اختلال شعوری که همراه با خنده باشد خوش خیم تر است و اگر همراه با غم و افسردگی باشد بدخیم تر است و چنانچه همراه با پرخاشگری و ستیزه جویی باشد بسیار بد است، زیرا در نوع اول که همراه با خنده است منشا بیماری خون سیاه یا حرارتی است که خلط بدخیمی به همراه ندارد مانند اختلال شعور ناشی از میگساری. اما نوعی که همراه با پرخاشگری است، ناشی از سوداست و نوعی که همراه با حمله به دیگران است ناشی از سودایی است که از سوختن صفرا تولید می شود و این خلط بسیار بدخیم است. (۳)

اختلالات روانی

رازی در باره اختلالات روانی گفته: باید دانست که اولاً نیروهای روانی نیرومندتر از نیروهای بدنی هستند و ثانیاً هر گاه مزاج مغز دگرگون شود واکنش های روانی هم به سبب آن دگرگونی ها تغییر خواهد کرد. رازی طبق نظر جالینوس اختلال های روانی را به سه دسته تقسیم کرده: ۱- در نوع اول ادراک بیمار مختل می شود در حالی که تفکر و اندیشه او سالم است. نمونه آن کسی است که به نظرش می رسد نهنگ یا ازدهایی روی لباسهایش قرار دارد در حالی که به خوبی می داند چنین چیزهایی نباید حقیقت داشته باشد و این مسائل را به خوبی می فهمد. ۲- نوع دوم آن است که ادراک سالم است و بیمار

تمام چیزها را همان طور که هستند درک می کند ولی تفکر و اندیشه اش مختل شده. نمونه آن مردی است که فرش پشمی و همه ظرفهای خود را از پشت بام به سوی زنی که در حیاط منزل بود پرتاب می کرد. البته ادراک این شخص سالم بود زیرا هر چیزی را با نام درست آن می شناخت و نام می برد و به آن اشاره می کرد ولی این موضوع را نمی فهمید که نباید آن چیزها را از بالا به پایین پرتاب کند. ۳- نوع سوم آن است که هر دو حالت یعنی اختلال درک و اختلال تفکر با هم پدید آیند. رازی ضمن موافقت بانظرات جالینوس می گوید به نظر من کسانی که دچار اختلال شعور می شوند در سخن گفتنشان دچار بی ربطی و اختلال می شوند نه در شناخت و نامیدن هر یک از چیزها به طور جداگانه. او همچنین گفته به نظر من این نوع از بیماری (نوع سوم) بسیار سخت است و برای درمان آن باید از گفتار سوم کتاب الاعضاء الالهه و جوامع آن استفاده کرد. در گفتار سوم از کتاب جوامع الاعضاء الالهه آمده است: اختلال روانی این است که مزاج بیمار به گرمی غیر طبیعی دگرگون شده است. نشانه دگرگونی مزاج مغز به گرمی غیر طبیعی این است که فعالیت های روانی و حس و حرکت بیمار متوقف می شوند و در حقیقت از بین رفتن حس و حرکت برای شناسایی این نوع کافی است. اما بی خوابی شبانه نشانه خشکی مزاج و خواب آلودگی نشان دهنده رطوبت مزاج است. اختلال شعور به همراه بیخوابی شبانه نشان دهنده گرمی و خشکی مزاج است و از بین رفتن حرکات بدنی به همراه خواب آلودگی نشانه سردی و رطوبت مزاج است. اختلال شعور به همراه خواب آلودگی نیز نشانه گرمی و رطوبت مزاج است و از بین رفتن حرکات بدنی به همراه بی خوابی نشان دهنده سردی و خشکی مزاج است. (۳)

تفاوت جنون با بیماری های دیگر از جمله صرع و مالیخولیا:

رازی در توضیح جنون و تفاوت آن با بیماری های دیگر از جمله صرع و مالیخولیا می گوید: از نظر عامه مردم، بیماران صرعی و مالیخولیایی و کسانی که اختلال شعور دارند، دیوانه نامیده می شوند، در حالی که سه بیماری یاد شده اختلافات

شدید بدون چیرگی بیخوابی و همراه با سرخی سر و صورت و پری آن بود، از سافن(ساق پا و ران) خون بگیرد.(۳)

ارتباط اندازه مغز با بیماری های روانی:

رازی در باره ارتباط اندازه مغز با بیماری های روانی گفته ممکن است در اثر کاهش اندازه یا فعالیت مغز بیماری هایی در آن پیدا شود و از همین رو عقل افراد پیر کاهش می یابد زیرا اندازه یا فعالیت مغز سر و مغز استخوان آنها رو به کاهش می گذارد. البته مغز حیواناتی که تولدشان نزدیک است بیشترین حجم را داراست. اما نشانه بیماری های روانی ناشی از کاهش اندازه یا فعالیت مغز این است که علائم دگرگونی غیر طبیعی مزاج را نداشته و بیمار شنگول می باشد چنانکه افراد پیر چنین حالتی دارند. از جمله عواملی که باعث کاهش اندازه یا فعالیت مغز سر و مغز استخوان می شوند خستگی درازمدت، کمتر استفاده کردن از خوراکی های خوب و مناسب، زیاده روی در آمیزش جنسی و بی خوابی های پی در پی. اما عواملی که باعث فزونی اندازه یا فعالیت مغز سر و مغز استخوان می شوند در پیش گرفتن عکس عوامل یاد شده و همچنین مداومت بر شستشوی بدن و آب تنی، خوردن مغزهای گیاهی مقوی همراه با شکر و پالوده و سایر خوراکی های لذیذی که ارزش غذایی زیادی دارند و همچنین فندق و بادام بویژه اگر همراه با شکر خورده شوند.(۳)

نتیجه گیری:

رازی با وجود شهرت جهانی، در ایران هنوز چنانکه باید شناخته نشده است. با توجه به این که کتاب معروف او الحاوی به زبان عربی نوشته شده استفاده از آن برای افراد ناآشنا با زبان عربی امکان پذیر نیست و با وجود این که کتاب الحاوی رازی در طول ۴۰۰ سال به عنوان کتب درسی در دانشگاه های اروپا تدریس می شده و به ۱۷ زبان زنده دنیا ترجمه شده ولی متأسفانه در ایران این کتاب هنوز هم به طور کامل ترجمه نشده و ایرانیان آخرین کسانی هستند که از این کتاب ارزشمند بهره مند می شوند. امید است با ترجمه کل کتاب امکان دسترسی پژوهشگران ایرانی به این اثر ارزشمند

فراوانی با هم دارند به این معنی که: بیماران صرعی، به جز هنگام حمله بیماری، همیشه سالم و طبیعی هستند. از طرفی مالمیخولیا، همراه با بی خوابی، پرخاشگری و حمله به دیگران نبوده، بی ربطی بیش از اندازه ای در سخنان بیمار نیست. تنها ممکن است اظهاراتی که مخالف نظر افراد سالم باشد، در گفتار بیمار پیدا شوند، البته بیمار به مقدار کمی هم افکار غیر طبیعی دارد و در صورت مزمن شدن بیماری، اختلالات گفتاری او افزون تر می شوند و روی هم رفته در شمار افراد عاقل است ولی دچار ترس، وحشت، اندوه و افسردگی است. اما جنون، همراه با پرخاش و ستیز با دیگران، حرکات تند و قوی، بی خوابی و اختلال شعور همیشگی است که گاهی خیلی شدید نیست. رازی نیز مانند جالینوس معتقد است که جنون حالتی شبیه به صفراوی بودن مزاج دارد. و به نقل از او می گوید که پدید آمدن جنون ناشی از خلطی سوزاننده است و صفرا چنین ویژگی ای دارد، همچنین سودا اگر بیش از حد سوخته و عفونی شود چنین ویژگی می یابد. رازی می گوید اگر پس از جنون تغییرات خونی یا استسقاء (جمع شدن آب در بدن) یا بهت زدگی پدید آید نشانه خوبی است. او نیز مانند جالینوس می گوید که جنون در پاییز، به دلیل افزایش صفرای رقیق و بد، عارض می شود.

رازی نظر بولس در باره درمان جنون را نیز نقل کرده به نظر بولس درمان جنون همچون درمان مالمیخولیاست و آنچه در اینان لازم است انجام شود این است که سرکه شراب و روغن گل بر روی سرشان باید گذاشته شود و از رگهای سرشان خون گرفته شود، برای اسهال آنان از ایارج فیکرا استفاده شود و چنانچه جوشانده تخم رازیانه بری و همچنین نیم درهم ریشه کرمه البیضا(انگور جنگلی) را خیسانده در آب بیاشامند بسیار سود خواهند برد. رازی در باره درمان اختلال شعور مزمن می گوید: یکی از پزشکان به من اطلاع داد که همسرش دچار اختلال شعور مزمنی شده بود و هیچ درمانی در او تاثیر نداشت تا این که چند مرتبه خیسانده فاشرا (گل شیرمال) میل کرد و بهبود یافت. تجویز خود رازی استفاده از روزی یک مثقال جوشانده ریشه فاشرا به صورت خوراکی است. رازی در تجارب بیمارستانی خود گفته: اگر در بیماری، اختلال شعور

فراهم شود همچنین با توجه به مقام بالای علمی رازی لازم است که کتاب‌ها و روش‌های درمانی پیشنهادی او مورد بررسی و استفاده دوباره قرار گیرد.

References:

- ۱ . ادکایی، پرویز. طب روحانی(رساله در روانشناسی اخلاق). تهران: اهل قلم، ۱۳۸۰.
- ۲ . براون، ادوارد. طب اسلامی. ترجمه رجب نیا، مسعود. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱.
- ۳ . رازی، محمد بن زکریا. الحاوی. ترجمه طباطبایی، سید محمود. ج ۱، شرکت داروسازی الحاوی، کرج، ۱۳۶۹.
- ۴ . نوری، سید مسعود: جنون. دانشنامه جهان اسلام، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ج ۱، تهران، ۱۳۹۳.
- ۵ . میرابزاده اردکانی، مهرا؛ شمس اردکانی، محمد رضا؛ کشاورز، منصور؛ ناظم، اسماعیل؛ مینایی، محمد باقر. امور طبیعیه و ارکان در مکتب طب ایرانی، مجله طب سنتی اسلام و ایران، ۱، ۱۳۸۹؛ ۱ (۴): ۳۱۵-۳۲۲.
- ۶ . رمضانی، فرید؛ شمس اردکانی، محمد رضا ؛ کشاورز، منصور؛ ناظم، اسماعیل ؛ مینایی، محمد باقر. مروری بر اعضاء، ارواح، قوا و افعال در طب نظری، مجله طب سنتی اسلام و ایران، ۱، ۱۳۸۹؛ ۱ (۴): ۳۱۵-۳۲۲.
7. Boeree, C. George. "Early Medicine and Physiology". Retrieved 21 February 2013.
8. Neel Burton . A Short History of Bipolar Disorder: England: Jun 21 ,2012. Available from <https://www.psychologytoday.com/blog/hidden-and-seeking>.
- ۹ . دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه لغت نامه دهخدا، ج ۱۳.
- ۱۰ . سیاسی، علی اکبر. روانشناسی از لحاظ تربیت . تهران: ابن سینا، ۱۳۳۷.
11. <http://www.geneticlab.ir/?Lang=fa&Page=34&TypeId=3&GeneticLicenceId=16&Action=GeneticLicenceBodyView>
- ۱۲ . سید محمدی، یحیی. راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی. چاپ دوم. تهران: روان، ۱۳۹۳.